

روزنه

محسن رهامی:

انتقاداتی به عملکرد فراکسیون امید وارد است

● محسن رهامی، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در نقد و بررسی فراکسیون امید گفت: «فراکسیون امید تا به امروز توانسته انسجام خودش را حفظ و تا حد زیادی از جریان اصلاحات حمایت کند. از این‌رو عملکرد مثبتی داشته‌اند و توانسته‌اند آن انتظاراتی را که از آنها می‌رفت تا حدی ارائه کنند». او ادامه داد: «اصلاحات علی‌رغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌هایی که با آن شده و بسیاری از نیروهای شاخص آن اجازه نیافتند به مجلس وارد شوند اما همین تعداد از اعضای فراکسیون امید نمادی از جریان اصلاحات در مجلس هستند و آرمان‌ها و خواسته‌های این جریان را برای مردم عزیز ایران بیان می‌کنند اما انتقاداتی هم به عملکرد آنان وارد است».

به گزارش «خبرآنلاین» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب اظهار کرد: «انتظار عمومی این بوده که فراکسیون امید با معضلاتی مثل بی‌کاری، تورم، اشتغال، بالا رفتن قیمت ارز، بی‌اعتبار شدن ارزش پول ملی و پایین‌آمدن توان خرید مقابله کند و قدرت بیشتری از خودش نشان دهد و مؤثر واقع شود. لیست امید زمان انتخابات مجلس دهم برنامه‌هایی را در ۱۲۰ سرفصل به مردم اعلام کرد، حال باید ارزیابی شود و این فراکسیون بگوید از این وعده‌ها به‌طورمثال به صد یا ۵۰ مورد عمل کرده است».

او با اشاره به انتقادات افکار عمومی به عملکرد فراکسیون امید گفت: «انتقادی که می‌توان به عملکرد فراکسیون امید کرد، آن است که باید به مردم گزارش دهند و بگویند مردم شما رای دادید و ما با شما پیمانی داشتیم، مثلا برنامه‌ای که در شورای سیاست‌گذاری تصویب شد، هرسال چه میزانش به اجرا درآمد».

عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گفت: «در واقع ما در جریان اصلاحات مثل یک جبهه عمل کردیم. جبهه یک آرمانی داشت و آرمانش منسجم‌کردن یک برنامه کاری و ارائه به مردم بود. اشکال کاری که مردم به آن وارد می‌کنند، این است که می‌گویند «به ما گزارش ندادند و برنامه‌هایی را که گفتند، معلوم نشد تا چه اندازه به آن عمل کردند یا عمل نکردند، چه مشکلاتی وجود داشت؟ خودشان نخواستند اوضاع عوض شود یا از اول برنامه‌شان طوری بوده است که نتوانستند به آن عمل کنند. آن زمان تکلیف مردم مشخص شده و متوجه می‌شوند فراکسیون امید به برنامه‌های خود عمل کرده است یا خیر؟». او افزود: «خیلی از نیروهایی که در دولت مسئولیت گرفتند، بیشتر به جریان اصولگرا معتقد بودند تا جریان اصلاحات، این امر هم در عمل باعث شد میدان اجرای برنامه کمتر برای نیروهای اصلاح‌طلب فراهم شود که این می‌تواند بر انتخابات بعدی که مردم به لیست‌های متمرکز مثل گذشته اعتماد می‌کنند تأثیر بگذارد. مسئله مهم دیگر تحریم‌های بسیار جدی آمریکا علیه جمهوری اسلامی است. در این فضا باید برای مردم انگیزه کافی ایجاد شود و مردم وقتی آثار عملی رای‌های خودشان را ببینند، برای حضور بیشتر در انتخابات تشویق می‌شوند».

این فعال اصلاح‌طلب درباره علت قوی‌تر ظاهرشدن جبهه پایداری‌ها در مجلس نسبت به فراکسیون امید گفت: «پایداری‌ها هم به لحاظ ساختاری و هم قدرت منسجم‌تر عمل می‌کنند مدعی‌ای رأی‌طلبی هستند و می‌خواهند قدرت بگیرند. فراکسیون امید اما خودش را خیلی در قدرت نمی‌بیند که بتواند نظرات خودش را تحمیل کند اما پایداری‌ها بناوچه به دسترسی بیشتری که به قدرت‌های بالادستی دارند، خود را با آنها هماهنگ می‌کنند، به‌طور مثال در انتصاب وزرا نیز دخالت می‌کنند».

مهدی دریس‌پور: سوئمن جلد از خاطرات مهندس لطف‌الله میثمی هم‌زمان با نمایشگاه کتاب امسال منتشر شد. این کتاب* از ابتدای بازداشت او در ۲۸ مرداد ۱۳۵۳ تا روز آزادی از زندان، هشت‌م‌آبان ۱۳۵۷ را در بر می‌گیرد. دوره‌ای که آغاز سوئمن بازداشت میثمی است و او آن را «تولدِ دوباره» می‌داند و معتقد است با وجود بیم‌ها، دلهره‌ها و شکنجه‌ها هیچ‌گاه لذت تک‌تک لحظات آن را فراموش نمی‌کند. میثمی در این جلد مانند دیگر مجله‌ها، نکات ریزودرشتی را از پیدا و پنهان سازمان مجاهدین خلق و مباحث درون‌گروهی و ایدئولوژیک آن تصویر کرده است و به فراخور موضوع، به آرای دیگر چهره‌ها و گروه‌ها مراجعه کرده و مشی خود و سازمان را در قیاس با آنها تحلیل کرده است. او در این کتاب، به وقایع‌نگاری صرف بسنده نکرده و در زمان متوقف نمانده و به تعبیری، تار تاریخ را به پود سیاست بافته و تحلیل‌های پستی را به متن وارد کرده است تا مخاطب، ضمن مرور وقایع از ریشه‌ها و پیامدها نیز غافل نماند.

چشم‌هایش...

وضعیت جسمانی میثمی، چشمان نابینا و دست مجروح، او را از سایر مبارزان و مجاهدان متمایز کرده است؛ چنانکه می‌بینیم اولین پرسش افراد به‌ویژه تاریخ‌نخونده‌ها در محیط‌های عمومی مانند نمایشگاه کتاب ازاین‌قرار است: این اقا چرا این‌طور شده است؟! صفحات ابتدایی کتاب این پرسش را با ذکر جزئیات بیان کرده است. از چرایی انجام عملیات در شب کودتای ۲۸ مرداد تا انفجار بمب در خانه میمی و مجروح‌شدن... «نزدیکی‌های ساعت ۹ شب بود و ما هم عجله داشتیم. هنگام ساخت دو بمب پیشین، جاشنی را در پلاستیک می‌گذاشتم و پلاستیک را در مواد منفجره فرومی‌کردم تا همه جاشنی به آلومینیوم اتصال پیدا نکند. اما این‌بار چون عجله داشتیم، جاشنی را در پلاستیک نگذاشتم و همین‌طور آن را در جعبه قرص فروکردم. در اثر این کار، ته جاشنی به ته جعبه قرص خورده و اتصال برقرار کرده و جاشنی منفجر شد و در نتیجه، مواد منفجر ما هم عجله داشتیم. هنگام ساخت دو بمب پیشین، جاشنی را در پلاستیک می‌گذاشتم و پلاستیک را در مواد منفجره فرومی‌کردم تا همه جاشنی به آلومینیوم اتصال پیدا نکند. اما این‌بار چون عجله داشتیم، جاشنی را در پلاستیک نگذاشتم و همین‌طور آن را در جعبه قرص فروکردم. در اثر این کار، ته جاشنی به ته جعبه قرص خورده و اتصال برقرار کرده و جاشنی منفجر شد و در نتیجه، مواد منفجر شده بود. پس‌ازآن دیگر نفهمیدم چه شد». میثمی پس از شرح این حادثه، در یک فضاسازی دراماتیک علت زنده‌ماندن خود را بیان می‌کند؛ در شرایطی که اصل بر آن بود چریک‌ها، زنده به تور پلیس نیفتند. «...شنیدم سیمین گفت، داداش بکشمتم؟! گفتم نه. در ۱۶ ماه زندان هم‌هاش با خودم می‌گفتم این چه محافظه‌کاری بوده که گفتم بعد که در جریان انقلاب سیمین آزاد شد و به خانه‌مان آمد، پرسیدم چه شد؟ گفت خون تمام صورتت را گرفته بود. من فکر کردم شاهرگت قطع شده و در حال مرگ هستی. من گفتم بکشم؟ تو گفتی آره بکش. ولی من دیدم چون از همه بدنت خون می‌آید، زنده دستگیر نمی‌شوی و تو را نکشتم». میثمی به گواه هم‌بندی‌ها و البته آنچه امروز می‌بینیم، به‌سرعت، زیست در وضعیت جدید را در دستور کار قرار داد و راه انزوا در پیش نگرفت و همپای سایرین به مباحث فکری و سازمانی ورود کرد و حتی در ورزش‌های گروهی شرکت می‌کرد، مسیری که دشوار به‌نظر می‌رسید. «یک‌بار محمد شیخی می‌خواست «لطف‌الله» بازی کند. چشم‌هایش را بست تا

سیاست

نگاهی به جلد سوم خاطرات لطف‌الله میثمی؛ تولدی دوباره؛ پله‌پله از «تاخدا» تا «باخدا»

نه مبارزه مذهبی کردم و نه سیاسی؛ مبارزه نظامی کردم



ببیند کوری چه طعمی دارد. بعد داوود سهیل او را می‌دواند. دست او را گرفت و در حال دویدن از صف بیرون برد و به دیوار زد و محمد شیخی جراحات مختصری برداشت و بنا شد دیگر لطف‌الله بازی نکند و خود را به کوری زند.

چرا به این راه افتادید؟

ازجمله پرسش‌های مهم در تاریخ مبارزات سیاسی پیش از انقلاب ازاین‌قرار است؛ چرا یکباره مبارزه پارلمانی و مسالمت‌آمیز متع و رویکردهای قهری و مسلحانه جایگزین شد. میثمی در جای‌جای کتاب، از زوایای مختلف این پرسش را پاسخ گفته است. در بدو دستگیری، حسین‌زاده مسئول بازجوها از او می‌پرسد «مگر نخستین بار که دستگیر شدی به من نگفتی دیگر مبارزه سیاسی نمی‌کنم. بار دوم هم قول دادی نه مبارزه سیاسی می‌کنی و نه مذهبی. پس چرا زیر قولت زدی؟». او پاسخ می‌دهد: «گفتم دروغ که نگفتم، همه راه‌ها را بستید. این‌بار نه مبارزه مذهبی کردم و نه سیاسی، بلکه مبارزه نظامی کردم». میثمی بعدها در مواجهه با پرویز ثابتی این پرسش را از زاویه دیگری پاسخ می‌دهد و تفکر حاکم بر دستگاه امنیتی شاه، به‌ویژه رئیس اداره رسوم را به چالش می‌کشد. «گفتم من تک‌نسین بودم و گوش شنوایی نبود، به‌تدریج سیاسی شدم. ثابتی بهت‌زده شد. او گفت ما ۴۰۰ هزار پیکان‌سوار داریم. طبقه مرفهی که به وجود آمده با چند کلت قراضه شما، همه‌تان را خفه می‌کنند

«عماد افروغ» درباره وضعیت ایران در دوره تحریم‌ها گفت

انسجام اجتماعی داریم، اما انسجام سیستمی نه



عماد افروغ در نشست خبری با خبرنگاران

با اقتصاد نفتی نمی‌توان به جنگ تحریم نفتی رفت. آنچه درباره دوزدن تحریم‌ها گفته می‌شود کارکردی موقت دارد، درحالی‌که ما نیاز داریم مبنایی‌تر فکر کنیم». رئیس گروه علم و دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «شاید تحریم برای ما فرصتی

باشد تا به اقتصاد مقاومتی بها دهیم و به سمت توسعه درون‌زا حرکت کنیم. ظرف مدیریت متمرکز و تمرکزگرای فعلی که بر نفت متکی است و ظرفیت‌های انسانی‌ما را به کار نمی‌گیرد، باید تغییر کند. این تغییر شاید امروز به علت فرصت‌سوزی‌هایی که در گذشته داشته‌ایم دوروداراز بنماید، اما چاره‌ای جز استفاده از تمام استعدادهای بالقوه و بالفعل موجود در کشور

نیست و بایستی موانعی که به علت رویکرد توسعه‌ای غلط به دست خود ما ایجاد شده‌اند، برطرف شوند». او در بخشی دیگر از این گفت‌وگو افزود: «نقش دولت در حوادث اخیر [سیل] برجسته است. در ایران نمی‌توان قدرت سیاسی را نادیده گرفت، در حقیقت قدرت اجتماعی در ایران به قدرت سیاسی اعتماد کرد و البته از این اعتماد آسیب دید و در شرایط موجود نمی‌شود از فعالان قلمرو اجتماعی توقع نقش آفرینی مؤثر را داشت. در حقیقت انتظارداشتن از قلمرو اجتماعی بدون لحاظکردن قدرت سیاسی نشان‌دادن آدرس اشتباه است». افروغ ادامه داد: «قدرت اجتماعی را باید پاس داشت و تقویت کرد؛ اتفاقی که تا امروز قدرت سیاسی برخلاف آن عمل کرده و با تمرکزگرایی و قراردادن موانع بر سر راه قدرت اجتماعی فرصت بروز و ظهور را از آن گرفته است، اما باید بدانیم اگر امروز مرمتی موقت و حداقلی پس

و اجازه نمی‌دهند شما عرض‌اندام کنید. ثابتی گفت حقوق تو چقدر بود؟ گفتم پیش از زندان در شرکت مهندسی جوان (jovan) ۹ هزار تومان حقوق می‌گرفتم. گفت این حقوق چه اشکالی داشت؟ گفتم یک مدت کارگری رفتم. آنجا روزی ۹ تومان حقوق می‌گرفتم. این اختلاف شدید بین حقوق یک مهندس با کارگر برای چه بود؟ این را یادداشت کرد. او گفت منظور تو تبعیض بین این دو حقوق است؟ گفتم بله. من احساس می‌کردم حقوق آن مهندس صدافخه‌کن است تا روی دردهای جامعه دست نگذارد. آنها اعتراض می‌کردند چرا به این راه افتادید؟ گفتم در سال ۱۳۴۸ یا سال ۱۳۵۰ کارگرها از جاده کرج تا رباطکریم تظاهرات کردند تا به تهران بیایند، نیروهای مسلح ۱۲ نفر را کشتند. من گفتم شما کارگران را کشتید. او گفت وقتی کارگران می‌خواهند امنیت را به هم بزنند ما باید قاطع بایستیم و بکشیم». او گفت آقای حکیم خون مارکسیست‌ها را مباح می‌داند و شما هم با مارکسیست‌ها نزدیک هستید و مارکسیست اسلامی هستید، ما می‌توانیم شما را اعدام کنیم».

درک یک پایان!

اعضای سازمان مجاهدین، زندانیان سیاسی پیش از انقلاب و نیز تحلیلگران سیاست و تاریخ، واقعه سال ۱۳۵۴ را از چندین منظر تحلیل کرده‌اند. گروهی تغییر ایدئولوژی سازمان را انتهای منطقی کنش‌ها و تحلیل‌های مؤسسان مجاهدین خلق می‌دانند، گروهی قائل به تفکیک مقاطع سازمان هستند و از روندی می‌گویند که اعضای سازمان در مواجهه با آن، ناگزیر و به‌حاشیه‌راندن اسلام شدند و گروهی، از نقش مخرب افراد و به‌طور مشخص تقی شهرام سخن می‌گویند. میثمی در میانه گرایش دوم و سوم ایستاده است؛ او ضمن بررسی آرای مؤسسان سازمان و متفکرانی مانند مهندس بازرگان و نیز بعضی چرخش‌های پدیدآمده در اخلاف آنها، از نقش تقی شهرام نیز غافل نمی‌شود؛ میثمی او را نیرویی ایدئولوگ و پرکار و البته خصلتی و رهبری طلب معرفی می‌کند که در مقطعی توانست اندیشه خود را بر سازمان دیکته کند؛ البته این رهیافت که شهرام را به‌عنوان بازیگری بی‌رقیب تصویر می‌کند، پرسش‌هایی را به‌دنبال داشت. ازجمله آنها، دیالوگی است که سال‌ها بعد میان میثمی و سعید حجاریان برقرار و در کتاب به آن اشاره شده است. «سعید حجاریان یک‌بار از من پرسید چطور شهرام و رجوی بر سازمان حاکم شدند؟ گفتم اگر به تحلیل‌های نظامی‌دانه خودم نگاه کنم، من هم پاسخ نمی‌دهم. فرض کنید شما پنج نفر هستید و یک گروه تشکیل داده‌اید. یک نفر هست که هم بیان، هم قلم، هم چهره، هم پشت‌کار و هم غرور دارد. همین‌طور که جلو می‌روید او به‌طور طبیعی رهبر شما می‌شود. شما با او چه می‌کنید؟ حجاریان گفت، من روی او را کم می‌کنم. گفتم، با توجه به این ویژگی‌ها پیش از اینکه روی او را کم کنید، او روی شما را کم می‌کند چراکه کم کلام، هم قلم و هم چهره بهتری دارد».

«**کتاب «تولدِ دوباره؛ پله‌پله از «تاخدا» تا «باخدا» به کوشش نشر صدصدی، در ۴۴۱ صفحه و با قیمت ۷۰ هزار تومان روانه بازار شده است.**



از وقوع سیل ایجاد شده است، به این علت است که قدرت اجتماعی توانست بر اثر بحران ناشی از سیل؛ فرصتی برای خودنمایی پیدا کند و این‌گونه موقتا موانعی را که همیشه بر سر راه خود می‌بیند کنار بگذارد. مسئولان باید شرایطی فراهم کنند تا فرصت ظهور قدرت اجتماعی فقط محدود به شرایط بحرانی نباشد.

انسجام سیستمی در ایران وجود ندارد

او با اشاره به تحریم‌های آمریکا علیه ایران گفت: «جامعه ایران یک جامعه بحرانی است، به این معنا که در بحران انسجام ما بالا می‌رود. بنابراین بنده به لحاظ وجدان جمعی خیالم آسوده است که در برابر تهدید انسجام اجتماعی بالا خواهد رفت، اما امیدوارانه آرزوی ایجاد انسجام سیستمی را هم دارم». عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: «ما در جوامع دو نوع انسجام داریم؛ انسجام سیستمی و انسجام اجتماعی؛ انسجام اجتماعی وابسته به مردم است و در همین تجربه اخیر سیل نشان داده شد در ایران وضعیت قابل‌قبولی دارد، اما انسجام سیستمی در ایران وضعیت خوبی ندارد و نهادهای رسمی هماهنگ نبوده و منظومه‌ای حرکت نمی‌کنند». افروغ با اشاره به آسیب جناحی حرکت‌کردن نهادهای سیاسی گفت: «مشکل ما این است که حتی در تفکر جناحی هم انسجام وجود ندارد و بخش‌های مختلف یک جناح سیاسی مسیرهای مختلفی را می‌روند. این عدم انسجام سیستمی مشکلات ما را تشدید کرده است و باید تلاش کنیم تا این انسجام در جهتی مثبت و متعالی ایجاد شود».

افروغ در پایان با بیان اینکه اکتفاکردن به وجدان جمعی کفایت نمی‌کند، ادامه داد: «واکنش در مقابل شرایط بحرانی موقت است، بُرد زیادی ندارد و امکان حل بحران بی‌اعتمادی را به صورت ریشه‌ای ندارد. بنابراین تعدیل شکاف درآمدی، استفاده از تمام ظرفیت‌های انسانی، رفع بنیادی موانعی که قدرت سیاسی برای قدرت اجتماعی ایجاد کرده و حرکت به سمت توسعه درون‌زا، از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند در جامعه ما برای بازبشت اعتماد به عرصه اجتماعی کمک کند».

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

آینه

کیتان

آرایش جنگی در جنگ لایک‌ها

● تنها تفاوت رفتن اوپاما و آمدن ترامپ برای ما آن بود که دست چدنی آمریکا نمایان شد و خوش‌خیالان را از خواب پراند و واقعیت را مقابل چشمانشان به نمایش گذاشت. اگر نتیجه‌اش بیداری و واقع‌بینی باشد، از این‌این بابت باید آن رفتن و این آمدن را به فال نیک هم گرفت. حال که دشمن آرایش جنگی گرفته و شمشیر را از رو بسته است، دیگر جای سهل‌اندیشی و مماشات نیست و باید مردانه پای در میدان گذاشت. اما چگونه؟ نخستین گام، شناخت نحوه عمل و هدف دشمن در این جنگ همه‌جانبه است. بدون اطلاعات روشن و درک درست از میدان جنگ، مقابله پرهزینه و کم‌بازده خواهد بود و مانند شلیک در تاریکی است. شاید از ده‌ها تیری که شلیک می‌کنیم، چندتاییی هم اتفاقی به هدف بخورد اما به‌طور طبیعی بیشتر شلیک‌ها بی‌نتیجه خواهد بود.

پس اول باید دانست که هدف چیست. در گزارش اخیر نشریه آمریکایی نیویورکر درباره جان بولتون- مشاور امنیت ملی دولت ترامپ- جملهای کلیدی وجود دارد: «هدف آمریکا به‌سئوه‌آوردن مردم ایران با فشار اقتصادی است تا مردم علیه حکومت شورش کنند.» عاصی‌کردن و شوراندن مردم علیه حکومت با دو ابزار دنبال می‌شود: ترکیبی از تحریم اقتصادی و بمباران تبلیغاتی و رسانه‌ای.

انتقاد

فرمان «شب‌حمله»

● **عباسعلی منصوری آرانی**: ما باید میان صحبت‌های فرمانده ارتش با مردم عادی و فرماندهان نظامی تفاوت قائل باشیم. وقتی فرمانده ارتش با نیروهای نظامی صحبت می‌کند حتما باید آنها را به آمادگی کامل و تمام‌عیار و هوشیاری لحظه‌ای فراخواند تا آن وظیفه‌ای که قانون اساسی به‌عهده ارتش قرار داده است تمام‌و‌کمال اجرا شود. در این راستا بالاترین خطر برای نیروهای مسلح غافلگیری و غرور است. به عبارت دیگر ممکن است سیاستون تحلیل‌های متفاوتی در عرصه‌های مختلف داشته باشند و بر اساس اهدافی که تعریف می‌کنند، گام بردارند اما نظامی‌ها وظیفه‌ای به‌گردن‌شان قرار دارد که همواره ثابت است؛ آنها همواره باید مسائل را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به دقت رصد و ارزیابی کنند و بر اساس آن برآوردها و تحلیل‌ها اقدامات هوشیارانه انجام دهند تا بتوانند هرگونه خطری را از کشور دفع کنند.

ایران

خلیجی به‌نام همه‌ایران‌یان

● **احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران**: در سال‌های اخیر این‌طور القا شده که خلیج‌فارس به قوم خاصی در ایران تعلق دارد یا به نام آنها نامگذاری شده است و بقیه ایرانیان غیرفارس هستند. واقع این است که این بحثی است گسترده، تاریخی و جغرافیایی و اتفاقا مبارک هم هست و می‌تواند گوشه‌هایی از هویت ملی ما را آشکار کند. فارس نام کهن ایران است و در ادوار مختلف و به کوهایی مآخذ بسیار، از گذشته‌های دور ایران را با نام فارس، پارس، پرشیا و از این قبیل می‌شناخته‌اند و منظور آنها قوم خاصی نبوده بلکه همه ساکنان این سرزمین را دربر می‌گرفته. با وجود پاره‌ای تفاوت‌های قومی- زبانی، دربی‌ای پارس یادگاری از همان روزگار کهن است و شاید از معدود مواردی باشد که نام آن در طول تاریخ دستخوش تغییروتحول نشده و از هردوت تا دوره اسلامی و از دوره اسلامی بلکه پس از اسلام در مآخذ تفسیری و حدیثی هم با همین نام از آن یاد شده است. به‌واقع خلیج‌فارس، همان خلیج ایران است و این نام به معنای نفی هیچ قوم یا زبان یا دین یا مذهب دیگری نیست بلکه همه ایرانیان را دربر می‌گیرد و آنها که با نام خلیج‌فارس می‌جنگند، دانسته یا ندانسته به‌واقع ایران و ایرانیّت را برنمی‌تابند.

دیپلماسی

دیپلماسی باصدای بلند

● **سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه**:

در اهمیت دیپلماسی دیجیتال همان بس که شاهد استفاده هوشمندانه مسئولان عالی‌کُتور ازجمله وزیر امور خارجه از فضای مجازی و رسانه‌های تعاملی دیجیتال، ظرف ۶ سال گذشته به‌خصوص در جریان مذاکرات هسته‌ای و به‌ویژه در کارزار سخت و دشوار با ملت شوم و مخرب آمریکا - صهیونیسم و سعودیسم، مواجه بوده و هستیم. تأثیری که انتقال پیام از طریق رسانه‌های مجازی بر مخاطبان عام و فراگیر در سطح جهان گذاشته و می‌گذارد، بر کسی پوشیده نیست. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و دستگاه دیپلماسی به‌رغم کسری‌ها و کمبودها در عرصه بهره‌وری از دیپلماسی دیجیتال، با علم و آگاهی نسبت به اهمیت تحول از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال در عصر فناوریگرای هزاره سوم، درصدد است تا با بهره‌گیری مناسب و اصولی از رسانه‌های تعاملی و فضای مجازی، راندمان و بهره‌وری دستگاه دیپلماسی در عرصه‌های متنوع و متکثر دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فناوری و دیپلماسی اقتصاد - تجاری، به‌عنوان مکمل و تسهیل‌کننده دیپلماسی رسمی را ارتقا بخشد. در این مسیر استفاده از همه ظرفیت‌های موجود و شناسایی شیوه‌ها و امکانات نوین ارتباطی بسیار ضروری است.